

Educational Components of the Qur'an in Raising Sexual Issues

*Abdullah Gholami^{*1}*

Negar Karami²

1. Assistant Professor Razi University, Kermanshah (Corresponding Author)

Email: gholamy53@yahoo.com

2. Student at the level of three specialized centers for the interpretation and Quranic sciences of Hazrat Vali-e-Asr

Email: tahoor87@yahoo.com

Abstract

Concerns about sexual health in the present age are doubly necessary due to the expansion of information networks and means of communication that lead to the intensification and arousal of lust. The Holy Qur'an has used the utmost chastity and sobriety in raising sexual issues and has avoided innocence and using explicit and ugly words in narrating sexual acts and organs, this method has become a means to bring the Qur'anic audience to the principle of modesty and sobriety. Speech and behavior should be given more attention and the moral and educational effects of the Qur'an should be reflected in public culture. Sexual desire and the need to satisfy it is one of human instinctual desires, and the Qur'an, due to its compatibility with human nature, pays attention to human beings choosing the healthy way of satisfying it and avoiding misguidance, and teaches them how to believe in God and seek help. Get rid of sexual crises and problems from him. On the other hand, the Qur'an instructs the believers to observe the principle of modesty in speech and behavior and to prevent mixing of men and women in order to enjoy sexual health. Has perfected sexual health. This study, focusing on the verses of the Qur'an, examines these methods and principles of education so that those in charge of education instead of using the unprincipled and immoral educational laws of the West to use this revelatory and infallible source to advance educational goals.

Keywords: education, sexual education, sexual issues, instinct.

*. Date of Reception: 2020/05/04 , Date of Acceptation: 2020/07/15

مؤلفه‌های تربیتی قرآن در طرح مسائل جنسی

عبدالله غلامی *

نگار کرمی ^۲

۱. استادیار گروه هیات دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول)

Email: gholamy53@yahoo.com

۲. طلبه سطح سه مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت ولی عصر (عج)

Email: tahoora87@yahoo.com

چکیده

اهتمام به مسئله سلامت جنسی در عصر حاضر، به علت گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و وسایل ارتباطی که منجر به تشدید و تحریک شهوت می‌شود، ضرورتی مضاعف است. قرآن کریم در طرح مسائل جنسی از نهایت عفت و متانت بهره برده و در بازگویی اعمال و اندام‌های جنسی با استفاده از کنایات از بی‌پردگی و به کار بردن الفاظ صریح و قبیح اجتناب کرده است، این روش وسیله‌ای شده تا مخاطبان قرآن به اصل حیا و متانت گفتاری و رفتاری توجه بیشتری داشته و آثار اخلاقی و تربیتی قابل توجه قرآن در فرهنگ عمومی منعکس شود. میل جنسی و نیاز به ارضای آن از امیال فطری بشر است و قرآن به جهت سازگاری که با فطرت انسانی دارد، انسان‌ها را به انتخاب راه سالم ارضای آن و پرهیز از بیراهه‌ها توجه داده و به آنها یاد می‌دهد که چگونه با ایمان به خدا و استعانت از او از بحران‌ها و مشکلات جنسی رهایی یابند. از سوی دیگر، قرآن مؤمنین را به رعایت اصل حیا در گفتار و رفتار و جلوگیری از اختلاط زن و مرد جهت بهره‌مندی از سلامت جنسی فرمان داده و در پایان با اظهار انزجار از اعمال قبیح و قاطعیت در برخورد با مفسدین، اصول و روش‌های تربیتی خود در امر سلامت جنسی را کامل کرده است. این پژوهش، با محوریت آیات شریفه قرآن، این روش‌ها و اصول تربیتی را مورد بررسی قرار داده تا متصدیان حوزه تربیت بجای استفاده از قوانین تربیتی غیراصولی و ضداخلاقی غرب از این منبع وحیانی و خطاناپذیر جهت پیشبرد اهداف تربیتی بهره‌مند شوند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت جنسی، مسائل جنسی، غریزه.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵

مقدمه

سلامت جنسی یکی از شاخه‌های سلامت، و از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلامت فرد و اجتماع است. هر جامعه‌ای به فراخور فرهنگ و اندیشه خود اصول و روش‌های تربیتی خاصی را در این حوزه پایه‌ریزی کرده و در برنامه‌های تربیتی خود به اجرا درمی‌آورد. متأسفانه در کشور ما و اکثر جوامع اسلامی این اصول بر اساس مبانی روان‌شناسی غربی تنظیم شده و منابع ناب دینی، بخصوص قرآن کریم مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. این بی‌توجهی یا کم‌توجهی نسبت به اصول و روش‌های تربیت دینی باعث مشکلات فراوانی در مسائل جنسی شده و بحران نابسامانی‌هایی را به وجود آورده است.

قرآن کریم با توجه به رسالت هدایتگری و روشنگری که دارد به مسائل تربیتی و از جمله تربیت جنسی اهتمام داشته و به علت تأثیرگذاری که گزینه جنسی بر امور مادی و معنوی انسان دارد، با استفاده از اصول و روش‌های خاصی مخاطبان خویش را متوجه تکالیف و الزاماتی می‌کند که باید در امور جنسی رعایت کنند. این اصول در واقع همان اصولی هستند که مسلمانان و متعهدان به سنت‌های الهی باید در حوزه تربیت جنسی و برای پیشبرد سلامت جنسی به کار گیرند، اصولی که کاملاً با عقاید و افکار آن‌ها سازگاری داشته و با اهداف دنیوی و اخروی آنها هیچ تضادی ندارد و باید جایگزین فرهنگ‌ها و روش‌های وارداتی و ضداخلاقی غرب و کشورهای پیشرفته اما غیرمتمدن شود.

از زمان افلاطون و ارسطو تاکنون درباره مسائل جنسی و چگونگی برخورد با غرایز جنسی نظراتی وجود داشته و تألیفاتی صورت گرفته است و روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه دین هر یک به فراخور تخصصی که داشته‌اند در آن ورود پیدا کرده‌اند و دانشمندان و صاحب‌نظران دین مبین اسلام با توجه به اهمیت مسائل جنسی و نقش بسزایی که در سعادت یا طغیان جوامع دارد آن را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما از تحقیق یا توشه‌ای که به صورت جامع و اختصاصی و تنها با محوریت آیات شریفه قرآن و اصول و روش‌های تربیتی را که در سلامت جنسی مؤثر واقع می‌شوند بررسی کرده باشد خبری نیست و آنچه موجود است یا صرفاً مطالعات روان‌شناختی است مانند کتاب مشاوره جنسی قبل از ازدواج نوشته فاران حسامی و کیوان رحیمیان، کتاب رضایت زناشویی نوشته عباس پسندیده و با توصیه‌های اخلاقی مانند کتاب فرهنگ توصیفی علوم تربیتی تألیف محسن فرمی‌فراهمی و خسرو باقری در کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. البته آثاری چند درباره روش‌ها و اصول تربیت جنسی انجام گرفته است اما این آثار نیز به نوعی کلی‌گویی کرده و از منابع اسلامی بیشتر اهتمامشان به روایات و کتب اخلاقی بوده است و پژوهشی درباره این موضوع خاص با توجه ویژه‌ای که به آیات کریمه قرآن در آن وجود دارد توسط پژوهشگر یافت نشد و به این منظور، این مقاله با روش فیش‌برداری از منابع اسلامی بخصوص تفسیری با رویکردی کاملاً قرآن تنظیم شد تا به این سؤال پاسخ دهد که: قرآن کریم مشتمل بر چه اصول و روش‌های تربیتی به منظور پیشبرد سلامت جنسی است؟

نزاهت بیانی قرآن در طرح مسائل جنسی

قرآن کریم در شیوه بیانی خود در طرح مسائل جنسی، نهایت عفت کلام و ادب در گفتار را با بلاغت، رسایی معنا و زیبایی فوق‌العاده مقرون ساخته است و با گزینش الفاظ و عبارات کنایی، از کاربرد هرگونه لفظ قبیح، مستهجن و صریح در امور جنسی و زناشویی خودداری کرده است. این شیوه بیانی قرآن کریم یکی از جلوه‌های ستار بودن خداوند است که در کلامش ظاهر شده و شایسته است به‌عنوان الگو و نمادی مطلوب از حیا در طرح مسائل جنسی قرار گیرد (محمودی و ملکوتی‌خواه، ۱۳۹۱، ص ۷۹). امام صادق(ع) در تفسیر عبارت «لَا مَسْئَمَ لِّلنِّسَاءِ» در آیات شریفه قرآن (نساء: ۴۳ و مائده: ۶) آن را به آمیزش جنسی تفسیر کرده و می‌فرماید: «ولکن الله السَّيِّئَاتُ فَلَمْ يُسَمَّ كَمَا تُسَمَّوْنَ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۵۵): کافی - به نقل از حلبی - از امام صادق(ع) درباره [مقصود] سخن خدای عز و جل زنان را لمس کردید پرسیدم. فرمود: مقصود، آمیزش [جنسی] است؛ لیکن خداوند، عقیف است و عفت کلام] را دوست دارد. لذا آن‌گونه که شما نام می‌برید، نام نبرده است. این حدیث به پرده‌پوشی خداوند متعال و ساتر بودن او دلالت دارد که در آیات شریفه قرآن به‌کارگیری الفاظ صریح و بی‌پرده پرهیز نموده است. این شیوه بیانی قرآن را می‌توان در آیات فراوانی مشاهده کرد. قرآن کریم واژه‌های مربوط به افعال جنسی را به صورت کنایی و در کمال ادب و حیا بیان کرده و غالباً از عبارت و واژه‌هایی استفاده کرده که مختص به مسائل جنسی نیستند و کاربردهای دیگری هم در کلام عرب دارند. برای مثال، کلمه «مَسَّ» در آیات زیادی از قرآن و در قالب معانی متفاوتی بیان شده است و در معنای رسیدن گرفتاری (زمر: ۴۹)، نعمت (معارج: ۲۱)، عذاب (هود: ۴۸) و ... کاربرد داشته و یکی از کاربردهای آن کنایه از روابط جنسی است، چنانکه می‌بینیم در آیه «ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ» (احزاب: ۴۹)؛ منظور از مَسَّ، انجام رابطه جنسی و زناشویی است؛ و واژه‌های رَفَث و مباشرت در آیه «لَيْلَةَ الصَّبَاِمِ الرَّفَثِ» (بقره: ۱۸۷) هر دو کنایه از جماع و رابطه زناشویی هست (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۷). نظیر چنین کاربردی در مورد واژه‌های دیگر از جمله، تغشی، و افضاء وجود دارد. قرآن کریم در نهایت حیا، این الفاظ را به صورت کنایی در مورد افعال جنسی به کار برده و گویی این الفاظ پوششی هستند که قبح صراحت در کلام را از بین می‌برند.

راغب اصفهانی، در مفردات درباره تعبیر قرآنی می‌گوید: «تمامی الفاظی که عمل زناشویی را افاده می‌کند، کنایات است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲۳). این روش قرآن در طرح مسائل جنسی هم در مورد افعال جنسی و هم درباره اندام‌های جنسی وجود دارد؛ واژه‌هایی چون «سَوَاتِ»، «عورت» و «فرج» را که کاربرد آنها اختصاص به اندام جنسی ندارد به صورت کنایی به آلت جنسی تعبیر کرده است و با این الفاظ که بر لوازم و عوارض آشکار شدن اندام‌های جنسی (مانند: نمایان شدن زشتی‌ها، شرمندگی، عار و آسیب) دلالت دارند به این اندام‌ها اشاره کرده و در واقع با ذکر لازم، اراده ملزم نموده و در قالب کنایه سخن گفته است (محمودی و ملکوتی‌خواه، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

قرآن کریم نزاهت بیانی و متانت گفتاری خود را همه حوزه‌های مربوط به مسائل جنسی و التذاذات آن به کار گرفته است. از مجموع تعابیر به کار رفته در حوزه التذاذات جنسی که شامل التذذ قلبی، کلامی، بصری، لمسی و مقاربتی می‌شود و با جست‌وجوی آرای مفسران و لغت‌شناسان در معانی واژه‌های به کار رفته در این حوزه‌ها، چنین استنباط می‌شود که تمامی این واژه‌ها، غیرصریح، از باب تشبیه، استعاره و بیشتر به صورت کنایه هستند (مستقیم و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). اجرای این روش توسط قرآن کریم یک نوع الگودهی به مؤمنین بوده و قرآن با نزاهت و متانتی که در بیان مسائل جنسی دارد به مؤمنان یاد می‌دهد که چگونه حیا و متانت را در طرح مسائل جنسی رعایت کنند. از آنجاکه بی‌پروا سخن گفتن از التذاذات جنسی و واژه‌های مرتبط با آن یکی از عوامل انحراف انسان‌ها در مسائل جنسی و تحریک غرایز جنسی است قرآن کریم با رعایت این امر هم ساحت مقدس خود را محترم شمرده و هم الگویی زیبا برای مخاطبین خود شده است به این ترتیب، نزاهت بیانی قرآن را می‌توان یکی از اصول و شیوه‌های قرآن در پیشبرد سلامت جنسی دانست.

انتخاب راه سالم ارضای میل جنسی

اصل اولیه در برخورد با یک میل و نیاز فطری، پاسخگویی به این نیاز و ارضای آن است. برای رشد و نمو، تکثیر و بقای نوع انسانی، شهوت‌های گوناگون در انسان قرار داده شده است و باید به گونه‌ای که با هدف خلقت منافات نداشته باشد، آنها را ارضا کرد. میل جنسی نیز یکی از امیال درونی انسان است که می‌تواند اهداف والایی را در زندگی بشر به ثمر بنشانند و رسیدن به این مهم در انتخاب راه درست ارضای میل جنسی است. آیات شریفه قرآن کریم با فطرت انسانی کاملاً هماهنگ و سازگاری داشته و خواهان اشباع این انگیزه‌ها و غرایز طبیعی در حدود شرع مقدس اسلام و قوانین الهی و هنجارهای انسانی است. قرآن در مسائل مربوط به انگیزه‌ها، انسان را به دو امر متذکر می‌شود: اول ارضای خواسته‌های طبیعی از طریق حلال؛ دوم تعدیل در تأمین خواسته‌ها و پرهیز از افراط و تفریط. برای مثال، در قرآن برای تأمین غریزه طبیعی خوردن و آشامیدن می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ» (بقره: ۶۰)؛ از رزق خداوند بخورید و بیاشامید. از سوی دیگر، قرآن کریم انسان را از تأمین نیاز خود به وسیله حرام باز می‌دارد و در آیات دیگری از تعبیر «لَا تَأْكُلُوا» استفاده می‌کند: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوْا بِهَا إِلَى الْخِطَابِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۸)؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به‌عنوان رشوه) به قضات ندهید، درحالی‌که می‌دانید.

دستور قرآن درباره‌ی غرایز جنسی نیز به همین صورت است و قرآن ضمن اینکه انسان را به ارضای میل جنسی ترغیب می‌کند، ولی ارضای آن را فقط از راه صحیح آن، که ازدواج است، جایز می‌داند و می‌فرماید: «وَ أَنْكُحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، چنانچه فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل

خویش آنان را بی‌نیاز می‌سازد. این چنین خداوند متعال برنامه ارضای این میل فطری انسان را تنظیم و به ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی توصیه می‌کند.

اسلام، ازدواج را پیوند مقدسی شمرده است که آثار و برکات آن بر زندگی مرد و زن جاری شده و برتری‌های بسیار زیادی بر سایر ارتباطات خواهد داشت. از جمله تشکیل کانون گرم خانواده، تأمین آرامش مورد نیاز زن و شوهر، بقا و سلامت نسل و... . قرآن کریم با تعبیر «هُنَّ لِيَأْسَ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَأْسَ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ قداست و برتری ازدواج را یادآور شده و همسران را لباس یکدیگر دانسته است. این تشبیه لطیف از این جهت است که لباس مانع از آسیب است و ازدواج علاوه بر اینکه اطفای غریزه را به همراه دارد صبغه ملکوتی آن، صیانت از گناه و حراست از نگاه آلوده است و مهم‌ترین بهره‌ای که از ازدواج نصیب همسران می‌شود صیانت گوهر دین از غارت ابلیس در بیرون و چپاول هوس در درون است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۶۰).

از سوی دیگر، قرآن کریم راه‌های دیگر ارضای غریزه جنسی چون زنا و لواط را حرام شمرده و عقوبتی سنگین در دنیا و آخرت برای خاطیان در نظر گرفته و می‌فرماید: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهَا كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۳۲)؛ زنا نزدیک نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است. همچنین می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲)؛ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند. بنابراین، در صورتی که نیاز جنسی شکل گیرد راه صحیح ارضای آن ازدواج است و در صورتی که امکان چنین ارضایی وجود نداشت باید به سمت تعدیل و کنترل حرکت کرد نه اینکه وقتی راه مجاز ارضا فراهم نشد آدمی به ارضا از راه‌های دیگر تمسک کند و آن را به هر صورت و هر مقدار که خواست پاسخ دهد و شیوه‌های غلط ارضای آن چون لواط، زنا، خودارضایی و... را برگزیند (ر.ک: ثابت، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸-۱۱۲).

ایمان به خدا و استعانت از او در بحران‌های جنسی

توجه به خداوند و ایمان به او بارها در قرآن کریم به‌عنوان عاملی برای پیشگیری از گناه و انحراف معرفی شده است. کسی که در چارچوب شرع و دستورات الهی عمل می‌کند به راحتی می‌تواند راه شایسته را انتخاب نماید و از انحرافات و لغزش‌ها مصون بماند؛ چراکه چنین شخصی در تمامی لحظات زندگی خدا را شاهد و ناظر بر گفتار و اعمال خود می‌بیند و سعی در جلب رضایت او دارد. قرآن مجید تقوا و یاد خدا را وسیله بینایی انسان و سلامت او از وسوسه‌های شیطان دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَنْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف: ۲۰۱)؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند. این آیه متوجه کسانی است که از راه اجتناب معاصی، تقوا پیشه کرده‌اند و هرگاه شیطان آنها را وسوسه کند و به معصیت وامی‌دارد، به یاد عقاب می‌افتند و معصیت را مرتکب

نمی‌شوند، متوجه رشد و صلاح خود هستند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۴۸). صاحبان ایمان در هنگام رؤیاریویی با مواضع گناه و بحران‌های جنسی به خداوند پناه می‌برند. برای اجتناب از گناه و لغزش، و استعانت از جانب خداوند متعال، در سوره یوسف می‌بینیم هنگامی که یوسف(ع) مورد طمع همسر عزیز مصر قرار گرفت و همسر عزیز به قصد کام‌جویی از یوسف(ع) درها را به روی او بست، یوسف با مشاهده اینکه همه جریان‌ها به سوی لغزش و گناه فراهم شده و هیچ راهی از نظر ظاهر برای او باقی نمانده است، در پاسخ به زلیخا به این جمله قناعت کرد و گفت «مَعَاذَ اللَّهِ» (یوسف: ۲۳). در واقع، حضرت یوسف(ع) با این جمله به زلیخا و هر کس دیگری فهماند که در چنین شرایط سخت و بحرانی برای رهایی از چنگال وسوسه‌های شیطان و آنهایی که خلق و خوی شیطانی دارند و انسان را به انحراف می‌کشانند، تنها راه نجات، پناه بردن به خداست، خدایی که خلوت و جلوت برای او یکسان است و هیچ چیز در برابر اراده‌اش مقاومت نمی‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۶۷).

در جریان این داستان و قصد لذت‌جویی که زلیخا از یوسف(ع) داشت، زلیخا به تمام وسایل و روش‌ها برای رسیدن به مقصد خود متوسل شد، وسایلی که تنها بخشی از آنها برای تحریک یک جوان مجرد و هم‌سن و سال یوسف کافی بود، ولی حضرت یوسف(ع) با استعانت به خداوند در برابر امواج شدید شهوت ایستادگی نمود و خود را به کشتی لطف پروردگار سپرد که اگر نمی‌سپرد، در آن دریای شهوت غرق شده بود، همان‌گونه که آیه بعد می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّءَا بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ» (یوسف: ۲۴)؛ آن زن قصد او کرد؛ و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی‌دید - قصد وی می‌نمود! این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چراکه او از بندگان مخلص ما بود؛ و خداوندی که وعده حمایت از مؤمنان مخلص و پاکدامن را داده است او را نجات داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۲۰).

قرآن کریم آیات مذکور و مانند آنها را وسیله تذکر به بندگان قرار داده که اگر راه ایمان و تقوا را پیشه کنند خداوند هم آنها را رها نمی‌کند و به یاری و لطف خداوند متعال از همه انحرافات و ناهنجاری‌ها در امان خواهند ماند. بنابراین، یکی از اصول قرآن در سلامت جنسی توجه دادن مخاطب به استعاذه و استعانت است، آنچه عامل نجات مؤمنین از ورطه سقوط و تباهی به سعادت و سلامت است.

رعایت اصل حیا در پوشش، نگاه و رفتار

یکی از اصولی که در قرآن برای رسیدن به سلامت جنسی مورد تأکید قرار گرفته است، رعایت حیا و عفت در رفتار است که شامل: نگاه، گفتار، پوشش و... می‌شود. یکی از آیاتی که محدوده تماس زن و مرد در سطح جامعه در آن ترسیم شده و مشخصات یک حجاب کامل، نگاه سالم و رفتار صحیح در آن آموزش داده شده است، این آیه است که می‌فرماید: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ بَعْضُضْنَ مِنْ اَبْصُرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوْبِهِنَّ... لَعَلَّكُمْ تُقْلِحُوْنَ» (نور: ۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف)

روسی‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)... تا رستگار شوید. در واقع، آیه فوق بیانگر این حقیقت است که هرگاه زنان بخواهند به راحتی در سطح جامعه تردد نمایند و از تیررس نگاه‌های هوس‌آلود دیگران در امان باشند باید با رعایت موازین ذکر شده در جامعه حضور یابند؛ و در کنار زنان، مردان نیز باید مراقب چشمان خویش بوده و از نگرستن به صحنه‌های گناه‌آلود و زنان نامحرم بپرهیزند. این امر سلامت روحی و جنسی جامعه را به ارمغان می‌آورد (ر.ک: نوری‌زاد، بی‌تا، ص ۲۲۷).

بی‌بندوباری‌های جنسی و گسترش دامنه فحشاء و سقوط ارزش‌های والای انسانی از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی و بی‌عفتی زنان است و قرآن کریم در پایان آیات متذکر می‌شود که زنان جامعه در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود آنچنان باید دقیق و سخت‌گیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخال که در پا دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۷-۴۴۱).

آیه مذکور نمونه‌آیاتی بود که خداوند به طور مستقیم بندگان را به رعایت حیا و عفت امر کرده و حدود آن را به روشنی بیان کرده است، اما علاوه بر چنین آیاتی، در قرآن کریم آیات دیگری وجود دارد که خداوند متعال به طور غیرمستقیم و در قالب بیان داستان، لزوم تعهد به هنجارهای اخلاقی را به بندگان متذکر شده است. در آیاتی وقتی سخن از ارتباط و برخورد دو جنس مخالف می‌شود با ظرافت تمام رعایت اصل حیا را به مخاطبان خود گوشزد کرده و خاطر نشان می‌شود که برای برقراری روابط سالم، رعایت حیا و عفت، اصلی ضروری و کارآمد است. برای مثال، هنگامی که داستان حضرت موسی (ع) و دختران شعیب در قرآن طرح می‌شود از نحوه راه رفتن و آمدن دختر شعیب به نزد موسی (ع) با این عبارت تعبیر می‌شود: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص: ۲۵)؛ پس یکی از آن دو (دختر) به سراغ او آمد درحالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت. منظور از اینکه راه رفتن بر استحیاء بوده این است که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۵). در تفاسیر آمده است که خداوند متعال این خصلت نیکوی دختر شعیب و حیا و عفت او در راه رفتن را به منظور تذکر دادن به زنان بازگو کرده است. دختر شعیب الگویی از برخورد با یک مرد نامحرم است، وی هنگامی که نزد حضرت موسی (ع) می‌آید آستین خودش را جلوی صورتش گرفته تا پوشش و حاجبی برای آن باشد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۱۱۷)، بعد از آن شروع به حرف زدن می‌کند و آن هم در کمال ادب و حیا، به گفتن یک جمله اکتفا کرده و می‌گوید: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ» (قصص: ۲۵)؛ پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن به گوسفندان را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد. بازگویی چنین رفتارهایی از طرف دختر شعیب در قرآن کریم تذکری برای مسلمانان است که چگونه می‌توان با رعایت حیا در برخورد و رفتار خود با جنس مخالف از بروز انحرافات جنسی جلوگیری کرده و سلامت جنسی را در روابط حکم‌فرما کرد. در ادامه این داستان نیز وارد شده است که دختر شعیب برای راهنمایی کردن موسی (ع) از پیش حرکت می‌کرد و موسی از پشت سرش، باد بر لباس دختر می‌وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار بزند، حیا و عفت موسی (ع) اجازه نمی‌داد چنین شود، به دختر گفت من از جلو می‌روم و بر سر دو

راهی با انداختن سنگ مرا راهنمایی کن (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۱۱۷).

در حقیقت قرآن کریم در این داستان با ارائه الگوهای ارزشمند روش صحیح رفتارهای جنسی را به مخاطبان معرفی کرده و نقش مهمی در شکل‌گیری روابط سالم جنسی ایفا می‌کند. از نکات دیگری که در قرآن درخور توجه و دقت است این است که خود آیات شریفه قرآن نیز نمونه‌های بسیار زیبایی از عفت و حیا در گفتار هستند. برای مثال، در سوره یوسف (ع) وقتی داستان کام‌خواهی همسر عزیز مصر از حضرت یوسف (ع) بیان می‌شود خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَوْدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ» (یوسف: ۲۳)؛ و بانویی که یوسف در خانه او بود از وی تقاضا و خواهش کرد. قرآن در اینجا حتی تعبیر «امراه العزیز» را به کار نمی‌برد، بلکه می‌گوید «التي هو في بيتها»، تا به پرده‌پوشی و عفت بیان نزدیک‌تر باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۷۹).

جلوگیری از اختلاط زن و مرد

یکی از عواملی که در شیوع رفتارهای نابهنجار جنسی بسیار مؤثر است اختلاط زن و مرد می‌باشد (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۷۵). چراکه هم‌نشینی، هم‌صحبتی و خلوت کردن زن و مرد از عوامل مهم لغزش و انحرافات جنسی است. به همین دلیل، اسلام برای سلامت جنسی جامعه و پیشگیری از مشکلات ناشی از این اختلاط سفارش‌های زیادی جهت جدا بودن حریم زن و مرد، جلوگیری از مصاحبت‌های فتنه‌انگیز و... بیان می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹). آنچه در قرآن در نهی اختلاط زن و مرد آمده است نهی مستقیم نیست و قرآن کریم این تحذیر را در قالب رفتار دختران شعیب با بیگانگان بیان کرده است. بنابراین، باز به آیات سوره قصص برمی‌گردیم که می‌فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَشْفِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص: ۲۳)؛ و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویش هستند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند؛ موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید!؟)» گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیر مرد کهن‌سالی است (و قادر بر این کارها نیست)». در تفسیر این آیه و در معنای عبارت «وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ» آمده است که علت خودداری آنان از آب دادن به گوسفندان هم به خاطر نوعی تعفف و تحجب آن دو و هم خاطر ستم مردم به آن دو بوده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۴). بسیاری از مفسران معتقدند: علت اینکه دختران شعیب در کناری ایستاده و از آب دادن به گوسفندان خودداری می‌کردند، کراهت آنان از اختلاط با مردان و عفت ایشان بوده است (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۷۵؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۴۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۲۹۲؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۹۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۵۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۳۲۴). برخی دیگر از مفسران بدون برگزیدن این نظر، آن را به‌عنوان احتمالی مطرح کرده‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۵۸۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۲۶۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۰۰؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۱۱).

نکته دیگری که در این ماجرا قابل توجه است این است که وقتی حضرت موسی به گوسفندان دختران شعیب آب داد، به کناری رفت و بدون اینکه بخواهد به آنها نزدیک شود و اختلاطی با آنها داشته باشد، به راز و نیاز با خدا مشغول شد و دختران هم به خانه رفتند و پس از مدتی که بازگشتند از قول پدر، موسی (ع) را دعوت کردند تا پدرشان مزد او را بدهد و در برخورد این مرد و دو دختر جوان هیچ‌گونه اشاره یا حرکتی که رنگ و بوی جنسی داشته باشد، وجود نداشت و اینها از تربیت صحیحی سرچشمه می‌گرفت که آنان در خاندان انبیاء به دست آورده بودند (ثابت، ۱۳۹۰، ص ۲۶۴ و ۲۶۵). قرآن کریم با بازگویی این داستان‌ها مخاطبان خویش را به تأمل و دقت در نکات اخلاقی آنها دعوت کرده و شیوه برقراری روابط سالم را به آنها می‌آموزد.

حفظ حریم خصوصی در روابط زناشویی

یکی از شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری‌های جنسی، خودداری زن و مرد از انجام دادن اعمال جنسی به صورت علنی و در برابر دیدگان افراد است. آشکار شدن اعمال جنسی نه تنها پرده‌های حیا و عفت را در جامعه پاره می‌کند، بلکه سبب تحریک تمايلات جنسی پیش از وقت در افراد نابالغ یا کسانی که زمینه ازدواج برایشان فراهم نیست می‌گردد.

خداوند متعال در سوره مبارکه نور می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور: ۵۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این‌گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است. از آنجاکه مهم‌ترین مسئله مطرح شده در سوره مبارکه نور، مسئله عفت عمومی و مبارزه با هرگونه آلودگی جنسی است، آیه فوق نیز به یکی از اموری که با این مسئله ارتباط دارد پرداخته و خصوصیات آن را تشریح می‌کند و آن مسئله اذن گرفتن بردگان و کودکان نابالغ به هنگام ورود به اتاق‌هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند. آیه در واقع در مقام بیان آداب ورود به جایگاه خصوصی پدر و مادر است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵). خداوند در این آیه سه وقتی که زمان خلوت کردن زن و شوهر است و به احتمال زیاد مقید به پوشش نبوده و ممکن است به التذاذات جنسی بپردازند، به‌عنوان اوقاتی که دیگران باید برای ورود اجازه بگیرند، مشخص کرده‌اند. این دستور به اجازه گرفتن برای کودکان می‌تواند متذکر نکته‌ای برای والدین و دیگر زوجها باشد که در روابط زناشویی خود به رعایت حیا در مقابل دیگران پایبند بوده و انجام هر امر جنسی و زناشویی را به حریم خصوصی خود محدود کنند. علاوه بر این، بیان این

اوقات سه‌گانه که معمولاً زن و شوهرها به علت گرمای هوا یا هر علت دیگری لباس‌های خود را از تن در می‌آورند نشان‌دهنده این نکته است که زوجین (و از جمله پدر و مادرها) نه تنها باید از انجام دادن عمل جنسی در برابر دید کودک و یا هر فرد دیگری خودداری کنند، بلکه از لخت شدن و یا هر فعل دیگری که در حوزه التذاذ جنسی باشد امتناع ورزند؛ زیرا این اوقات مشخص شده همیشه زمان‌های همبستری نیستند، بلکه ممکن است در این اوقات والدین روابط تلذذی از یکدیگر داشته باشند؛ و روشن است که بیان این زمان‌ها در آیه به معنای انحصار حرمت آشکار شدن روابط جنسی در این اوقات و آزاد بودن در مواقع دیگر نیست (ر.ک: فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶).

به این ترتیب قرآن کریم در این آیه شریفه یکی دیگر از روش‌های تربیت جنسی را متذکر شده و رعایت حریم خصوصی توسط زوجین در انجام اعمال زناشویی را به‌عنوان یکی از اصول تربیتی در هدایت جامعه انسانی به سوی سلامت جنسی معرفی می‌کند.

اظهار انزجار از اعمال قبیح

در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (انعام: ۱۵۱)؛ و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید. واژه «فواحش» جمع فاحش و به معنای قول یا فعل قبیح و بسیار زشت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۳۶) و خداوند متعال در کلام خود زنا، لواط و نسبت دادن زنا به مردان و زنان پاکدامن را از مصادیق فاحشه شمرده و از ظاهر کلام بر می‌آید که منظور از فاحشه ظاهری، گناه علنی و مقصود از فاحشه باطنی، گناه سری و روابط نامشروع برقرار کردن به صورت مخفیانه است، و اما نهی‌ای که در آیه آمده است و بندگان را به دوری از فاحشه دستور داده است به این جهت است که چنین اعمال شنیعی اگر مورد تحریم واقع نمی‌شد، شفاعت و زشتی‌اش از میان می‌رفت و شایع می‌گردید، چراکه این امور از بزرگ‌ترین موارد علاقه نفس است و نفس از محرومیت درباره آنها به خاطر طبیعتی که دارد سخت ناراحت می‌شود، در صورتی‌که به خود واگذار شود به سرعت فحشاء را در بین جامعه شیوع یافته (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۷) و با شیوع منکرات و اعمال قبیح جنسی، فساد رفته‌رفته کل جامعه را فرامی‌گیرد.

این نهی قرآن از نزدیکی به اعمال قبیح نوعی اظهار انزجار خدای تعالی از فواحش است که یکی از اصول و شیوه‌های تربیتی قرآن در مسائل جنسی است، چراکه نهی از جانب خداوند تعالی هنگامی صادر می‌شود که متعلق آن نهی امری ناپسند و مورد ذم خدای تعالی باشد و وقتی بنده از پروردگارش خائف است و او را شایسته اطاعت می‌داند، وقتی عملی را مورد کراهت و نفرت خداوند متعال دانست از آن دوری می‌کند و قبح آن اعمال بیش از پیش برایش روشن می‌شود.

در آیه دیگر، این قباح و زشتی اعمال نامشروع جنسی به روشنی تذکر داده شده و خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِتْمَانًا فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۳۲)؛ و مرتکب زنا نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بد است. این آیه علاوه بر اینکه از زنا نهی کرده است در حرمت آن مبالغه کرده، چراکه نفرموده این کار را نکنید، بلکه فرموده

نزدیکش هم نشوید و این نهی را چنین تعلیل کرده که این عمل فاحشه است و زشتی صفت جدایی‌ناپذیر آن است، و این اظهار انزجار خود را با عبارت «وَسَاءَ سَبِيلًا» مورد تأکید قرار داده و به انسان‌ها می‌فهماند که این روش، روش زشتی است که به فساد جامعه، و نابودی انسانیت و شتون زندگی اجتماعی می‌انجامد (طباطبانی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۱۷). البته به این نکته نیز باید توجه کرد که وقتی قرآن می‌گوید به این عمل شوم نزدیک نشوید، این تعبیر علاوه بر تأکیدی که در عمق آن نسبت به خود این عمل نهفته است، اشاره لطیفی به این است که آلودگی به زنا غالباً مقدماتی دارد که انسان را به تدریج به آن نزدیک می‌کند و آن مقدمات نیز متعلق نهی قرآن هستند اعمال قبیحی چون چشم‌چرانی، برهنگی، بی‌حجابی، کانون‌های فاسد، کتاب‌ها و فیلم‌های آلوده و خلوت با اجنبی (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۰۳).

یکی دیگر از وجوه نمایان قبح اعمال شنیع جنسی، اظهار تنفر نسبت به انسان‌های بدکاره و پایین آوردن شأن و جایگاه آنهاست. در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است: «الزَّانِي لَا يَنْكُحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكُحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۳)؛ مرد زناکار نباید جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج کند و زن زناکار نباید جز با مرد زناکار یا مشرک ازدواج نماید و این (ازدواج) بر مؤمنان حرام شده است. اینکه خداوند در این آیه زانی و مشرک را با هم آورده، برای اهمیت دادن به گناه زنا است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷، ص ۹۷) و عطف مشرکان بر زنان در واقع برای بیان اهمیت مطلب است، یعنی گناه زنا هم طراز گناه شرک است و در بعضی روایات هم وارد شده که شخص زناکار در آن لحظه‌ای که مرتکب این عمل می‌شود از ایمان بازداشته می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۶۲). بنابراین، اینکه خداوند مردان و زنان زناکار و آلوده را تنها درخور و شایسته مردان و زنان زانی و یا مشرک دانسته است، نهایت پستی مقام شخص زناکار را می‌رساند و قرآن کریم با بیان این عبارات نهایت قبح عمل زنا را بیان کرده و کراهت خود را از چنین عمل و چنین عاملی اظهار داشته است.

قاطعیت در برخورد و مجازات مفاسد جنسی

قرآن کریم نسبت به مفاسد و انحرافات جنسی برخورد شدیدی داشته و مجازات سختی را در دنیا و آخرت برای خاطیان و گناهکاران ذکر کرده است. چنانکه قوم لوط به علت ارتکاب به عمل شنیع لواط و اصرار بر آن به عذاب الهی در دنیا و عذاب جاودان اخروی محکوم شده و در دنیا خداوند بارانی از کلوخ بر سرشان ریخت که آنها را به هلاکت رساند: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيهَا سَافِلَهَا وَ آمَطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِّنْ سَجَلٍ مُّنْضُودٍ» (هود: ۸۲)؛ پس همین که امر ما فرا رسید سرزمینشان را زیر و رو نموده، بلندی‌هایش را پست و پستی‌هایش را بلند کردیم و بارانی از کلوخ بر آن سرزمین باریدیم، کلوخ‌هایی چون دانه‌های تسبیح ردیف شده. به این صورت آنهایی که همه چیز را وارونه کرده بودند و وقاحت و بی‌شرمی را به آنها رساندند که حتی می‌خواستند به حریم میهمان‌های رهبرشان (حضرت لوط) نیز تجاوز کنند، اینها باید شهرشان هم واژگون شود، نه فقط زیر و رو شود که بارانی از سنگ، آخرین آثار حیات را در آنها درهم بکوبد و آنها را زیر پوشش خود دفن کند، به گونه‌ای که حتی اثری از آنها در آن سرزمین دیده نشود.

مسلماً سنت قطعی خداوند در مجازات مجرمین و مفسدان در قوم لوط خلاصه نمی‌شود و هر گروه منحرف و ستم‌پیشه‌ای باید چنین سرنوشتی را به انتظار بنشینند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۹۰).

در جای دیگری قرآن کریم مجازات مردان و زنان زناکار را بیان کرده و به اجرای کامل حد زناکار و عدم سهل‌گیری در مجازات خطاکاران اصرار می‌ورزد و می‌فرماید: «الرَّانِيَةُ وَ الرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لِيَشْهَدَ عَدَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲)؛ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزیند؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند. این آیه علاوه بر اینکه بر زناکار از زن و مرد حد صد ضربه تازیانه را مشخص کرده در ادامه عبارت «وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» را متذکر می‌شود به مجریان حدود دستور می‌دهد که در مجازات ذکر شده رأفت و دلسوزی به خرج نداده و در اجرای حد سهل‌انگاری نکنند (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۰۶).

بنا بر نقل تفاسیر آیه مذکور مشتمل به سه دستور است که اهتمام قرآن در شدت برخورد با زناکار را رسانده و اینکه چنین برخورد و قاطعیتی یکی از روش‌ها و اصول قرآن برای مصونیت جامعه از ناهنجاری‌های جنسی و تضمین سلامت آن است؛ این سه دستور به شرح ذیل است:

الف) حکم مجازات زنان و مردان آلوده به فحشاء و بی‌بندوباری جنسی.

ب) تأکید بر اینکه در اجرای این حد الهی گرفتار محبت‌ها و احساسات بی‌مورد نشوید، احساسات و محبتی که نتیجه‌ای جز فساد و آلودگی اجتماع ندارد، و برای خنثی کردن انگیزه‌های این‌گونه احساسات مسئله ایمان به خدا و روز جزا را پیش می‌کشد، چراکه نشانه ایمان به مبدأ و معاد، تسلیم مطلق در برابر فرمان او است.

ج) دستور حضور جمعی از مؤمنان در صحنه مجازات است، چراکه هدف تنها این نیست که گناهکار عبرت گیرد، بلکه هدف آن است که مجازات او سبب عبرت دیگران هم شود. به عبارت دیگر، با توجه به بافت زندگی اجتماعی بشر، آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمی‌ماند، و به جامعه سرایت می‌کند، برای پاک‌سازی باید همان‌گونه که گناه بر ملا شده مجازات نیز بر ملا گردد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۶۰).

قرآن کریم متذکر می‌شود که علاوه بر مجازات‌های ذکر شده برای فاعلان اعمال شنیع جنسی در دنیا، این خطاکاران در آخرت نیز آسوده نخواهند بود و عذاب الهی آنها را فرامی‌گیرد و به کیفر نافرمانی و اعمال ناشایست خود خواهد رسید و چه بسا که عذاب قیامت برای آنها دو چندان شود: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَحُلْدُ فِيهِ مُهَانًا» (فرقان: ۶۸-۶۹)؛ و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز

بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند. همان‌طور که می‌بینیم در این آیات گناه زنا در کنار شرک و قتل نفس قرار گرفته و این همراهی شدت قباحت و اهمیت زنا را می‌رساند، سپس قرآن کریم با تأکید بیان کرده که کسانی که مرتکب این امور شوند عذاب آنها در قیامت مضاعف است و در آن جاودانه می‌مانند.

به این ترتیب، قرآن کریم یکی دیگر از اصول و روش‌های خود در تحقق سلامت جنسی فرد و به تبع آن جامعه را بیان می‌کند و متذکر می‌شود که وقتی مخاطب از طریق اصول اولیه چون دعوت به رعایت حیا، ارضای صحیح میل جنسی و برحذر داشتن از محرک جنسی و... از اعمال قبیح و مفساد جنسی دوری نکرد و باز به بی‌بندوباری‌های جنسی تمایل نشان داد و مرتکب افعال قبیحی چون زنا و لواط شد، نوبت به تنبیه و مؤاخذة می‌رسد تا از این مسیر از گناهان بعدی او جلوگیری شود و دیگر افراد جامعه نیز جرأت و جسارت بر گناه پیدا نکنند. این اصل یکی از اصول کلی در جوامع بشری نیز هست، چراکه در قوانین اجتماعی همه جوامع برای پیشگیری از وقوع جرائم بیشتر و جلوگیری از جسارت بر جرم و خطا، یکی از تأثیرگذارترین روش‌ها مجازات خطاکاران و مجرمین است.

نتیجه‌گیری

۱. قرآن کریم با نزاهت و متانتی که در بیان امور جنسی (اعم از افعال جنسی و اندام‌های جنسی) دارد هم یکی از مظاهر حیا و ستار بودن خداوند متعال است و هم الگویی مطلوب و نمادی آرمانی در حیطه مسائل تربیتی و جنسی برای مخاطبین خود می‌باشد.

۲. قرآن ضمن اینکه انسان را به ارضای میل فطری جنسی ترغیب می‌کند ولی ارضای آن را تنها از راه صحیح آن، که ازدواج است جایز می‌داند و از هر نوع عمل منافی عفت اظهار انزجار کرده و ممنوعیت و قبح بی‌راهه‌های ارضای غریزه جنسی چون لواط و زنا را در آیات زیادی متذکر می‌شود.

۳. قرآن کریم برای پیشگیری از بی‌بندوباری‌های جنسی همه انسان‌ها را به رعایت اصل حیا در پوشش، نگاه و رفتار و در نیامیختن با جنس مخالف دعوت کرده و از آنها می‌خواهد که برای مصونیت از انحرافات جنسی در بحران‌ها و مشکلات ایمان خود را به خدای تعالی تقویت کرده و از او یاری بخواهند.

۴. از آنجایی که مجازات مجرمین یکی از راهکارهای پیشگیری از جرائم در جوامع است قرآن کریم به این اصول نیز توجه داشته و برای خاطیان و مفسدان جنسی مجازات‌های سختی را در دنیا و آخرت متذکر شده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن جزئی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: بی‌جا، دارالارقم بن ابی الارقم.

- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثابت، حافظ، (۱۳۸۵)، *تربیت جنسی در اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *تسنیم*، قم: اسراء.
- حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۲۳ق)، *تبیین القرآن*، بیروت: دارالعلوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- صادقی تهران، محمد، (۱۴۱۹ق)، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: مؤلف.
- طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه مترجمان، تهران: فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فقیهی، علی نقی، (۱۳۸۷)، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها*، قم: دارالحدیث.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸)، *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمودی، سید احمد و اسماعیل ملکوتی خواه، (۱۳۹۱)، «بررسی بعد زیباشناختی و نزاهت بیانی قرآن کریم در مسائل جنسی»، کتاب قیم، ش ۵، ص ۵۵-۸۲.
- مدرس، سید محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دارمحبی الحسین.
- مستقیمی، مهدیه السادات و همکاران، (۱۳۸۹)، «تحلیلی از متانت گفتاری زبان قرآن در حوزه التذات جنسی»، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش ۴۹، ص ۱۰۷-۱۵۶.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷)، *اخلاق در قرآن*، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
- میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، *کشف الأسرار و عدۀ الأبرار*، تهران: امیرکبیر.
- نوری زاد، صمد، (بی تا)، *نگرشی بر اعجازهای پزشکی قرآن*، قم: آیت عشق.
- یوسفی، شهناز، (۱۳۸۹)، *بازشناسی تربیت جنسی با رویکردی اسلامی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).